* آیت‌الله واصف از منظر آیات عظام و علما

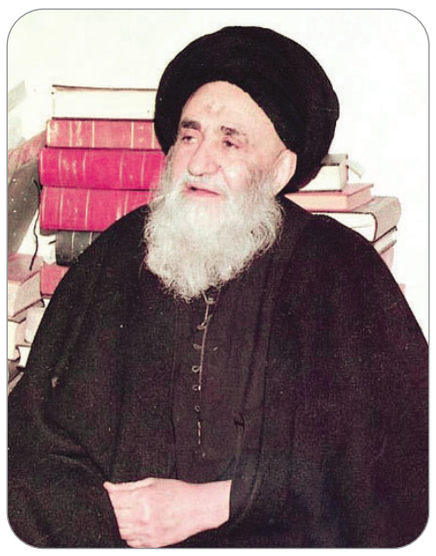

• **۱. آیت‌الله میرزا هاشم آملی** در اجازه اجتهاد محرم سال ۱۳۹۰ قمری ایشان را چنین ستوده‌اند:

العالم الألمعی و الفاضل الکامل التقی صاحب القریحة النقاده و السلیقة المستقیمة عماد الاعلام حجت‌الاسلام الحاج الشیخ محمد الواصف الجیلانی ... بلغ بحمد الله مرتبه الاجتهاد فله العمل بما استنبطه من الاحکام حسب ما هو الدراج بین الاعلام...

و همچنین در مورد آیت‌الله واصف می‌فرمایند:

«آقای واصف مغز متفکر است و خوب است طلاب و فضلا از افکار بلند ایشان استفاده نمایند.»

• **۲. آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی** در چندین اجازه روایی، اجتهاد و امور شرعیه در اوصاف ایشان می‌نویسد:

الف: مروج‌الاحکام فخرالاسلام و المسلمین ذخرالافاضل الراشدین آقای حاج شیخ محمد واصف...

ب: در اجازه روایی مفصل خود به تاریخ ۱۴ شعبان ۱۳۸۳ قمری درباره وی می‌نویسد: فرزند روحانی، برادر ایمانی، صفوة الافاضل فخر اقرانه و الاماثل ثقة الاسلام والمسلمین فضیله حاج شیخ محمد واصف جیلانی دام علاه و زید فی ورعه و تقاه فانه ابدع و ابتکر فی تنسیق الفروض والصوراتی بالعجب العجاب والاسلوب الغریب بالنمط القشیب....

ج: همچنین در اجازه دیگری در تاریخ ۲۹ رجب المرجب ۱۳۹۹ قمری در این باره می‌نویسد: مخفی نماند آنکه حضرت حجت الاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ محمد واصف که از افاضل مدرسین حوزه مقدسه قم می‌باشد و سنین عدیده در این بلده طیبه اشتغال و اکتساب کمالات صوری و معنوی بودند و بحمده تعالی مراتب شامخه ای از علم و عمل را فائض و حائز گردیدند....

• **۳. آیت‌الله‌العظمی بهجت** در ۲۸رجب ۱۳۹۹ق درباره وی چنین نوشته‌اند: جناب مستطاب حجت‌الاسلام آقای واصف ـ زید توفیقه ـ از متصفین به صفات فضیلت و کمال و از واجدین مراتب سامیه دیانت و تقوا است، شایسته است متدینین به اسلام و تشیع از برکات آن وجود شریف استفاده نمایند و حائز معلومات دینیه، توسط ایشان باشند و قدر این نعمت بزرگ را عملاً بدانند.

• **۴. آیت‌الله‌العظمی سبحانی**

درباره مرحوم حجة‌الحق جناب آقای واصف همین قدر بس که من ایشان را از پنجاه سال پیش در حالی‌که یک طلبه جوانی بود در حوزه علمیه قم می‌شناختم. ایشان و فرزند مرحوم حضرت امام جناب حاج‌آقا مصطفی با هم رفیق و هم‌مباحثه بودند و به خاطر دوستی که با ایشان داشت و مرحوم حاج‌آقا مصطفی پیش من درس می‌خواند، سبب شد که ایشان هم پای درس منطق شمسیه ما بیاید. پس از درس هم رابطه دوستی ما برقرار بود. من در مدت دوستی‌ام با ایشان چیزی که لمس کردم، یک جهان استعداد بود. خصوصاً استعداد ادبی و ذوق شعری! هر موضوعی را که برای ایشان معین می‌کردیم یک قصیده کامل و تمام می‌سرود و بعدها دوره کامل کتاب کفایة‌الاصول آخوند خراسانی را به نظم درآورد.

او آدم بسیار صدیق و پاکی بود و به اهل بیت علیهم‌السلام علاقه‌مند بود. آن مرحوم صاحب سرمایه معنوی و علمی بود که بروز آن‌چنانی نداشت، گرچه تنوع آثارش گواه روشنی است. یکی از ویژگی‌های آن مرحوم این بود که در زندگی خودکفا بود و از دست‌رنج خود ارتزاق می‌کرد. علمای زاهد و وارسته کسانی بودند که در عین عالم بودن تلاش می‌کردند از سهم امام مصرف نکنند. از نظر بار، بر روحانیت اسلام زحمت و مؤنه نداشت و در عین حال بیشترین کمک را هم می‌کرد، حقاً عاش سعیداً و مات سعیداً آقای واصف، [از لحظ ذوقی و شعری] شیخ بهایی عصر ما بود، ولی قدرش ناشناخته ماند. (ر.ک: وادی خاموشان، جعفر سعیدی)

• **۵. آیت‌الله العظمی سیدمحمدمهدی مرتضوی لنگرودی** رحمه‌الله

آقای واصف در علوم و معارف دینیه مانند، علم صرف، نحو، منطق، معانی و بیان، بدیع، عروض، حساب، هندسه، جغرافیا، اصول و فقه ورود کامل داشت و در اغلب بلکه در تمام این علوم، تألیف و یا تصنیف داشت و می‌توان گفت که این مرد علم و دانش، از نوابغ عصر خویش به شمار می‌رفت.

• **۶. آیت‌الله حاج سیدعباس حسینی کاشانی** رحمه‌الله

یکی دیگر از فرزندان آیت‌الله واصف می‌گوید: روزی با یکی از دوستان خدمت آیت‌الله حاج سیدعباس حسینی کاشانی رحمه‌الله شرفیاب شدم. در محضر ایشان پس از یاد خاطراتی از مرحوم پدرم، آیت‌الله کاشانی فرمودند: «مرحوم پدرت مرد فوق‌العاده‌ای بود، روزی به دیدنم آمد و من در شرف تألیف کتابی بودم و حدود شانزده صفحه از آن را به رشته تحریر در آورده بودم و آن را به ایشان دادم ایشان پس از بررسی آن فرمودند: هر دید، بازدیدی دارد. من هم از شما می‌خواهم به دیدنم تشریف بیاورید. آیت‌الله کاشانی فرمودند: چند روز بعد من به دیدن ایشان رفتم. دیدم در همان موضوع، ایشان هفت صد صفحه مطلب نوشته‌اند. آن‌گاه آیت‌الله کاشانی با اعجاب چند مرتبه فرمودند: من کجا و ایشان کجا.»

• **۷. علامه حاج میرزا خلیل کمره‌ای** رحمه‌الله درباره وی می‌نویسد: حضور محترم حضرت حجت الاسلام علامه محقق آقای شیخ محمد واصف گیلانی دامت افاضاته به عرض می‌رساند از تالیفات آن جناب مانند: ۱. رساله راهنمای ارث ۲. رساله الانسان واللحیه ۳.منظومه توصیف المعانی المراده فی تحقیق الاراده ۴. رساله رضاع.... را جناب آقای شیخ علی ربانی خلخالی در اختیار اینجانب نهادند. آثار علمی بی‌نهایت فوق العاده، مطالب و تحقیقات آن دارای مضامین بلند و رفیع که مانند ماه از زیر ابر جلوه می‌نماید. اوصاف حمیده و آثار علمی تان مرا شیفته دیدار جنابعالی کرده است.

به امید دیدار و تجدید احترام میرزا خلیل کمره‌ای

• **۸. محمد شریف‌رازی مؤلف کتاب گنجینه دانشمندان**

علامه واصف گیلانی از دانشمندان وارسته و فضلای برجسته، عالمی فاضل و نویسنده‌ای کامل و دارای مقام علم و تقوا و ملکات فاضله و اخلاق حسنه است.

• **۹. یکی از نویسندگان معاصر**

آیت‌الله شیخ محمد واصف لاهیجی از مدافعین حقیقی اسلام و مذهب شیعه جعفری بود که در خطیرترین ایام هجوم دشمنان اسلام با قلم و بیان از اسلام ناب دفاع می‌نمود. او در اکثر علوم اسلامی از قبیل فقه، اصول، فلسفه، منطق، کلام، درایه، ریاضی و فیزیک استاد بود و اکثر این علوم را به نظم کشید. آیت‌الله واصف در سرودن اشعار علمی به زبان عربی کم‌نظیر بود و در نظم کشیدن مباحث علمی به زبان عربی مهارت فوق‌العاده‌ای داشت.

* منظومه‌های ادبی و هنری

آیت‌الله واصف به دلیل برخورداری از معلومات گسترده، روحیه تحقیق و تتبع، ذوق سرشار و استعداد هنری و علمی قوی و قلم شیوا در طول حیات گران‌قدرش قریب به ۲۰۰ کتاب و اثر نفیس علمی و هنری از خود به یادگار گذاشت که متأسفانه تعدادی از آن در حادثه آتش‌سوزی منزل آیت‌الله حاج شیخ مهدی مهدوی رحمه‌الله در سال ۱۳۶۷ش در لاهیجان سوخت و از بین رفت.

مجموعه آثار ایشان که اغلب چاپ شده است به چند دسته تقسیم می‌شود:

۱. تألیفات علمی(غیرمنظوم)

۲. دیوان‌های اشعار موضوعی

در شش زبان فارسی، عربی، فرانسوی، گیلکی، ترکی، کردی و شامل بیش از ۱۵جلد حاوی اشعار بی‌الف، اشعار بی‌نقطه، اشعار لب‌نچسب (لب‌ها به هنگام خواندن به هم نمی‌رسد) غزلیات، مدایح و مراثی اهل بیت علیهم‌السلام، مواعظ و پندیات، اشعار سیاسی و حماسی و انقلابی و... که در نوع خود شاهکاری محسوب می‌شود.

یکی از فرزندان ایشان درباره ارزش علمی اشعار عربی پدرش می‌گوید: به یکی از علمای عراق به‌نام حجت‌الاسلام سیدطالب خرسان رحمه‌الله که مردی دانشمند، ادیب، صاحب قلم و کتاب بود، در زمان حیات والد روزی از ایشان خواستم تا ایرادی از ارجوزات عربی پدرم پیدا کند. مرحوم سیدطالب خرسان با قاطعیت گفتند: در اشعار عربی و ارجوزات ایشان هیچ ایراد ادبی وجود ندارد؛ چون من ارجوزات عربی ایشان را به دقت مطالعه کردم. گفتم: سید! سبک اشعار عربی و نحوه بیان و نگارش ایشان در ارجوزات بیشتر به کدام مردم عرب شبیه است؟ ایشان فرمودند: به سبک علمای بعلبک. سیدطالب خرسان در شعری تاریخ فوت مرحوم پدرم را به نظم کشیده است:

مولوی میرزا محمد واصف که بود
در طریق معرفت صاحب رشاد
علم را چون با عمل مقرون نمود
کرد در راه خدا عزم جهاد
خامه و انشا به تاریخش نوشت
با شهید کربلا محشور باد

۳. ارجوزه‌ها (کتاب‌های کوچک منظوم) که اغلب آنها در موضوعات مختلف به زبان عربی است.

۴. رساله‌ها

۵.شجریات

۶.ترجمه آثار علمی بزرگان

ضمناً دهها کتاب وی (اعم از عربی ـ فارسی) توسط سایر دانشمندان به زبان‌های فارسی، عربی، ترکی، فرانسوی و اردو ترجمه و چاپ شده است.

• **منظومه‌های ادبی و هنری**

اشعار فراوانی به صورت بی‌الف، بدون نقطه و... دارد که در آن صنعت‌های لفظی و معنوی و ادبی موج می‌زند که نمونه برخی از اشعار وی به اجمال این‌گونه است:

• **شعر پر نقطه** (شعر منقط که واژه‌ای بی‌نقطه در آن دیده نمی‌شود)

شهادت را بود شهدی که در شکر نمی‌باشد
شهید عشق را جا هیچ در آذر نمی‌باشد
خدایا، شربت شوقی به من ده شادمندم کن
که اندر نوشش شهدی است که در کوثر نمی‌باشد

• **اشعار بی‌نقطه**

ام‌الائمه مهر او دردم دوا کرد
هم او دلم را راهی ملک ولا کرد
حورای عالم، کادوی مهر الهی
اسرار مهر داوری را او ملا کرد...

• **دیوان بی‌الف**

در این دیوان شعر بی‌الف در ده‌ها موضوع عرفانی، اخلاقی، اجتماعی، سیاسی و دینی در قالب اشعار بی‌الف آمده است که در آن دیوان منظوم فارسی هیچ حرف الف وجود ندارد. مثلاً درباره حضرت زهرا علیهاالسلام آورده است:

چون متولد گل پرپر شده
سرور و زن مهتر و برتر شده
نیست کسی کفو علی غیرحور
نور نگیرد ره دل غیرنور
مهر علی بر زبر تن زده
بر قدمش گلشن روشن زده
لؤلؤ بسی مثل معنبر بود
نور خدیجه ز پیمبر بود
همسر شه کفو علی بر شده
زینت هر محفل و منبر شده

• **اشعار لب نچسب**

ای دل، سحر دراز داری — در سینه سر نیاز داری
هر دیده که عشق یار دارد — در دل قلق نگار دارد

• **اشعار مصحفیه**

اشعار مصحفیه که هم مدح و هم هجو است. در این‌گونه اشعار، جابجایی نقطه‌ها، معنای شعر را به کلی تغییر می‌دهد. در بیت زیر اگر این‌گونه نقطه بیاید ذم است:

ای که هستی هم محبّ هم خبیث
هم محرب هم محدب هم لبیث

و اگر نقطه این‌گونه بیاید مدح است:

ای که هستی هم محبب هم حبیب
هم مجرب هم محدث هم لبیب

* * *

• **اشعار منکوسه ۲۶۸ میلیونی**

مؤلف در کتاب هنر مذهب در خدمت خلق صفحه ۱۰۱ می‌نویسد: این اشعار در جدول به چهار زبان عربی، فارسی، ترکی و گیلکی برای اولین بار به این سبک سروده شده است که هر بیت آن به چهار نحو خوانده می‌شود. بدین معنا که هر بیت آن چهار نحو خوانده می‌شود که حاصل ضرب ۱۶=۴×۴و حاصل ضرب ۶۴=۱۶×۴ و به‌همین گونه تا آخر ۲۶۸ میلیون بیت شعر می‌شود و اگر کسی بخواهد در هر دقیقه یک نحو آن را منکوسه قرائت کند قادر به قرائت تمام آن نخواهد بود، هر چند هزار سال عمر کند. این اشعار در عین منکوسه بودن در جداول عمودی سه توشیح به سه زبان دارد. اصل شعر به نحو افقی، فارسی است، و لکن عمودی در آخر نیم مصرع اول یک بیت عربی و در آخر نیم مصرع دوم یک بیت گیلکی و در نیم مصرع سوم ترکی می‌شود. این شعر منکوسه ۲۶۸ میلیون بیت شعر می‌شود. خاطرنشان می‌شود این اشعار را در شهر اشتوتگارت آلمان سروده‌ام.

* دیوان هنری واصف به چند زبان و گویش

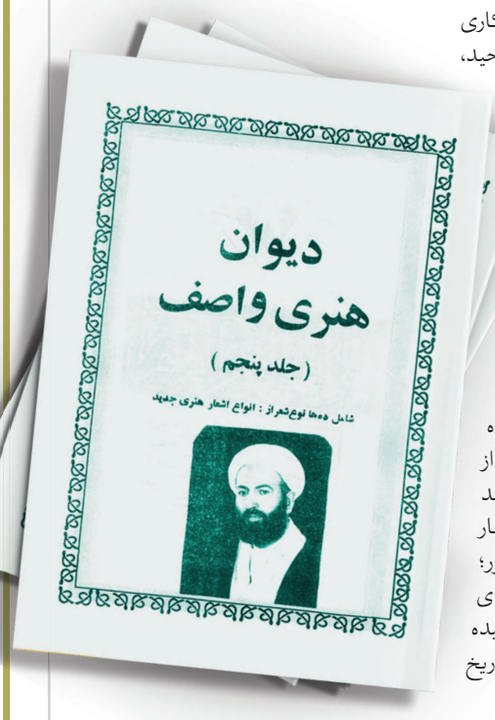

این ادیب زمان‌شناس در یک اقدام ابتکاری همه موضوعات اعتقادی، تاریخی مانند توحید، عدالت، فضایل پیامبر و ائمه اطهار علیهم‌السلام، قرآن، نماز و قیام مختار و... به همراه برخی موضوعات کلیدی و نوین اجتماعی و سیاسی، جهان و ایران اسلامی مانند وحدت مسلمین، وحدت حوزه و دانشگاه، نماز جمعه، جنگ تحمیلی، کشتار مسلمانان بوسنی، فلسطین، جنایات آمریکا و انگلیس و ایادی آنان، کشتار حجاج ایرانی، سلمان رشدی و... به شکل جدیدی تلفیق نموده است. وی به تأسی از امام راحل که برخی از مناسبت‌های انقلاب را ایام‌الله نامید، مانند دهه فجر، روز قدس و... به وسیله اشعار بی‌الف، بی‌نقطه و به چند زبان زنده کشور؛ فارسی، عربی، ترکی، گیلکی، لری و کردی به‌خوبی تشریح کرده و آن را به نظم کشیده است. تا آن وقایع مهم برای همیشه در تاریخ انقلاب کشورمان جاودانه بماند.

* آثار منظوم در علم منطق و ادبیات عرب

• **ارجوزه فی المنطق**

آیت‌الله واصف تمام قواعد علم منطق را مانند تعریف منطق، موضوعات، هدف علم، اساس و اجزاء آن، مباحث الفاظ، مفرد و مرکب، کلی و جزئی و اقسام آن، نسب اربعه، جنس، نوع، فصل، خاص،عام، معرف، تصدیقات و اقسام آن، شرطیات، تناقض، قیاس، اشکال، استقراء، تمثیل، صناعات خمس... در ۱۲ صفحه عربی منظوم کرده است.

• **کفایة المیزان فی المنطق الصناعی(منطق)**

وی درباره این کتاب می‌گوید: پس از تحصیل منطق آن‌چنان بر این علم مسلط بودم که آن را به نظم کشیدم و به محضر آیت‌الله‌العظمی بروجردی رحمه‌الله بردم. آقا که متن تهذیب المنطق را از حفظ داشت، لذا چند سوال از من پرسید که به درستی جواب دادم ایشان بسیار خوشحال شد و مبلغی در حدود هزینه چاپ کتاب به‌عنوان جایزه و تشویق مرحمت فرمودند.

• **أرجوزه فی النحو (ادبیات)**

واصف تمام قواعد اصلی علم نحو، همراه با اسامی ده‌ها تن از بزرگان نامدار علم نحو مانند: فراء دیلمی ابوالاسود کوفی، زمخشری، سیبویه، عبدالقاهر جرجانی، ابن حاجب و... همراه با توضیح مختصر و مفید به عربی به نظم درآورده‌اند را و در ۱۶ صفحه چاپ شده است.

• **الصنیع فی فن البدیع**

واصف یکصد و پنجاه عنوان بدیع را در ۶۰ صفحه به زبان عربی به نظم کشیده است. برخی از موضوعات آن عبارتند از: الکلام و اقسامه، عیوب القافیه، عیوب الکلام، التفریط، الفساد، المناقضه، التوسیع، اکثار الصنایع، الرکاله، البعث، الاختصار، الکنائی، التساوی، التعدید، التضاد، المقابله، تاکید المدح، الحذف، الالزام، المشاکله، اللفّ و النشر و... که در نوع خود اثری کم‌نظیر است.